حمیدرضا نعیمی، بازیگر، کارگردان و نویسنده تئاتر در گفت‌وگو با قدس:

در نمایش‌نامه نویسی از کارگردانی و بازیگری جلوتریم

چهارشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۸ | ۵ ذی الحجه ۱۴۴۰ | سال سی و دوم | شماره ۹۰۳۳ | ۷ آگوست ۲۰۱۹ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

از «کاریکلماتور» و خالق آن چه می‌دانید؟

باب دندانِ کم‌حوصله‌ها

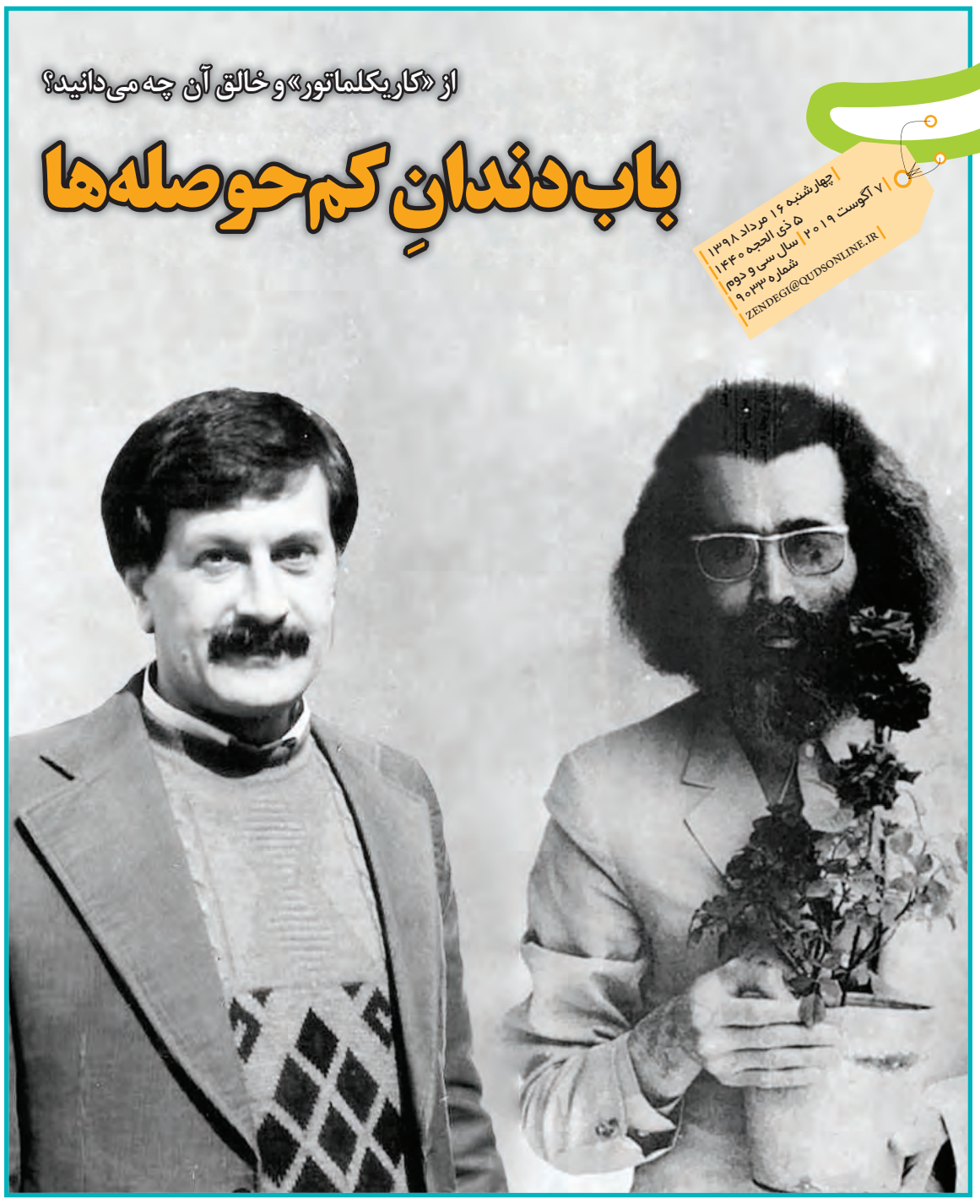

محمد تربت‌زاده | «نوشتن برای مخاطبان کم‌طاقت و پرمشغله‌ای که از هر چیز نوع فشرده‌اش را می‌پسندند، مثل توضیح نظریه نسبیت برای کسی است که در خیابان با عجله دنبال توالت عمومی می‌گردد».

توضیح مرحوم «ابوالفضل زرویی نصرآباد» شاید مختصرترین، مفیدترین و شیرین‌ترین تعریف از نویسندگی، روزنامه‌نگاری و شعرسرایی در قرن ۲۱ باشد. مردمِ این روزها همان‌قدر که حال قورمه سبزی پختن و آبگوشت خوردن را ندارند، حوصله دنبال کردن مطبوعات و خواندن متن‌های بلند ادبی را هم پیدا نمی‌کنند. از آن‌طرف ترجیح می‌دهند کالباس را آماده لای نان بگذارند و در کمترین زمان ممکن نوش جان کنند یا اگر در طول شبانه روز وقت اضافه آوردند، در حد و اندازه‌های یک یا دو جمله، مطالعه کنند. حق هم دارند خداوکیلی! با این همه دغدغه و گرفتاری چه کسی حوصله می‌کند تحلیل‌های ۳هزار کلمه‌ای روزنامه‌ها را بخواند یا ۷-۶ ساعت منتظر بماند تا آبگوشت جا بیفتد!

عبوس، خودخواه و سختگیر

سوژه امروز برخلاف تصورتان نه مرحوم زرویی نصرآباد است و نه اصول روزنامه‌نگاری در قرن ۲۱. برای معرفی سوژه امروز، اجازه دهید از «پرویز شاپور» آغاز کنیم. مردی که «فروغ فرخزاد» همیشه روی نامش سایه انداخته است. البته معلوم نیست این از بختِ بد او بوده یا از بخت خوبش! پرویز شاپور احتمالاً توی ذهنتان مرد عبوس و خودخواهی است که با سختگیری‌هایش، فروغ را در عنفوان جوانی پژمرده کرده است. آن‌قدر که فروغ قید ماندن کنار «کامیار» فرزند سه ساله‌اش را زده و پنج سال بعد از آغاز زندگی مشترکش با پرویز شاپور و درست در آستانه سه ساله شدن تنها پسرش، از پرویز جدا شده است. دست کم این تصویری است که خوانندگان آثار فروغ به واسطه شعرهایی که درباره تنها همسرش سروده است، از پرویز شاپور در ذهن دارند. هرچند ما در جایگاهی نیستیم که درباره زندگی خصوصی فروغ و پرویز اظهارنظر کنیم اما حداقل این را باید بگوییم پرویز شاپور که با احتساب امروز، دقیقاً ۲۰ سال از مرگش می‌گذرد، در عرصه ادبی برای خودش بروبیایی داشته و خالق یکی از تازه‌ترین مفاهیمِ دنیای ادبیات به‌حساب می‌آید.

برای ۲۰۰ هزارتومان

اگرچه براساس اطلاعات شناسنامه‌اش تهرانی اصیل به‌حساب می‌آید، اما در اصل متولد قم است. پرویز شاپور اگر در ۷۶ سالگی به دلیل سنگ‌سازی در پروستاتش دار فانی را وداع نمی‌گفت، اکنون ۹۶ ساله بود. اما لابد تقدیر این‌طور باید رقم می‌خورده که پرویز شاپور نتواند ۲۰۰ هزار تومان پول درمانش را جور کند و ۱۵ مرداد سال ۷۸ روی یکی از تخت‌های بیمارستان عیوض‌زاده تهران، بی سروصدا آخرین نفسش را بکشد تا تنها یادگار خودش و فروغ، تا سال‌ها در به در خانه دوست و اقوام شود و آخر سر هم برای گذران زندگی به نوازندگی در پارک‌های مختلف تهران روی بیاورد.

در دانشگاه تهران اقتصاد خوانده و بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی، در وزارت دارایی استخدام شده و در همان سال‌ها، یعنی حوالی ۱۳۲۹ با فروغ فرخزاد، یکی از بستگان مادری‌اش، ازدواج کرده است. پرویز و فروغ حکماً از دخالت‌های بزرگ‌ترها در زندگی‌شان به تنگ آمده بودند که بار و بندیل را جمع می‌کنند و راهی اهواز می‌شوند. شاپور همان موقع فعالیتش را در روزنامه‌های محلی خوزستان آغاز می‌کند. دو سال بعد از ازدواجشان یعنی سال ۳۱، تنها پسرشان «کامیار» یا به قول شاپور «کامی» به دنیا می‌آید. همان پسری که پرویز شاپور سالیانِ سال در نشریات مختلف با نام مستعار او قلم زده است. کوچ به اهواز و به دنیا آمدن کامیار هم افاقه نمی‌کند و زندگی مشترک یکی از مشهورترین زوج‌های هنری تاریخ معاصر کشورمان در سال ۱۳۳۴ خاتمه پیدا می‌کند. پرویز شاپور پس از جدایی از فروغ به تهران برمی‌گردد و تا پایان عمرش همراه با برادر و پسرش کامیار در یک خانه قدیمی زندگی می‌کند.

فقط یک جمله

بازگشتش به تهران همانا و ورود جدی‌اش به عرصه روزنامه‌نگاری و نویسندگی همان. پرویز شاپور ادامه فعالیت‌های مطبوعاتی‌اش را در نشریه‌های «سپید و سیاه» و «توفیق» ادامه داد. در مجله «توفیق» با اسم مستعار «کامی»، «کامیار» و «مهدخت» مطلب می‌نوشت و روز و شب در نشریه «خوشه»، در صفحه ثابتی که سردبیر به او داده بود، قلم می‌زد. آن روزها شاپور می‌نوشت و عمران صلاحی طراحی می‌کرد. پرویز می‌دانست آدم‌های این زمانه حوصله خواندن ندارند. به همین خاطر حرف‌هایش را در یک جمله می‌زد. بعضی وقت‌ها حتی با یک جمله، کتاب می‌نوشت!

حوالی سال‌های ۴۶ یا ۴۷، تک‌خطی‌هایش آن‌قدر گل می‌کند که نامش می‌افتد سر زبان‌ها. احمد شاملو پیشنهاد می‌دهد نام این تک‌خطی‌ها را بگذارند «کاریکلماتور». پرویز شاپور که به قول خودش یک جمله بیشتر نمی‌توانست بنویسد، به همین راحتی تبدیل به پدر «کاریکلماتور» در ایران شد.

حرف‌های ناجور و ناحساب

مادر شاپور می‌گفت: «۶۰ سال بچه بزرگ کردم، یک کلمه حرف حسابی از دهانش نشنیدم». ولی همین حرف‌های ناجور و ناحساب که با اسم «کاریکلماتور» از نشریات و مجموعه‌های ادبی دهه ۴۰ و ۵۰ سر در می‌آورد، از بهترین و طنازانه‌ترین آثار مطبوعاتی و ادبی آن سال‌ها بود. همین حرف‌های ناحساب البته بعدها نام شاپور را به ادبیات مدرن ایران پیوند زد. «کاریکلماتور» به قول «عمران صلاحی» همان کاریکاتور است، اما کاریکاتوری که با کلمات ساخته شده. جملاتی پرمحتوا، کوتاه و همراه با شوخ‌طبعی که گاهی به جمله قصار می‌ماند، گاهی به شعر شانه می‌زند و شاید بتواند تبدیل به ضرب‌المثل شود.

جمله‌های کوتاه پرویز شاپور اگرچه خیلی وقت‌ها ساده به نظر می‌رسند، اما آن‌هایی که از ادبیات و دنیای پیچیده‌اش سر در می‌آورند، می‌گویند درباره بعضی از این جمله‌های تک خطی، می‌شود چند مقاله علمی نوشت!

برای آن‌هایی که عجله دارند

مهم‌ترین ویژگی ظاهری کاریکلماتور، کوتاهی آن است. ویژگی‌ای که خوراک آدم‌های امروزی به‌حساب می‌آید. آدم‌هایی که تنوع پسند و بی‌حوصله‌اند و همیشه عجله دارند!

به زبان ساده، کاریکلماتور نثر است؛ نثری که بازی زبانی دارد تا بتواند گفتنی‌ها را دیدنی کند. این نثر معمولاً به زبان طنز بیان می‌شود. طنزهایی که البته بیشتر وقت‌ها تلخ مزه‌اند.

کاریکلماتور صریح است، سرتاسرش ایهام دارد و مثل تمام عناصر ادبیات مدرن، از واژه‌ها و ترکیب‌های روزمره و دم دستی استفاده می‌کند. هرچند می‌شود نمونه‌هایی از آن را در نثر و نظم‌های کهن پیدا کرد، اما سابقه‌اش برمی‌گردد به همان دهه ۴۰ و نشریه «خوشه». اصلی‌ترین ویژگی‌اش اما این است که مخاطب را غافلگیر می‌کند. غافلگیری‌ای که در عرض چند ثانیه اتفاق می‌افتد و خیلی وقت‌ها لبخند روی لب‌های خواننده را در چشم برهم زدنی تبدیل به بغضی می‌کند که راه نفس کشیدنش را می‌بندد.

کلکسیون خنده‌های سرقت شده

از شاپور چند مجموعه کاریکلماتور از جمله «به نگاهم خوش آمدی»، «پایین آمدن درخت از گربه» و «قلبم را با قلبت میزان می‌کنم» منتشر شده است. «موش و گربه عبید زاکانی با طرح‌های شاپور»، «تفریح‌نامه» (طرح‌های مشترک با بیژن اسدی‌پور) و «فانتزی سنجاق قفلی» از دیگر آثار منتشر شده او به حساب می‌آیند. هرچند نمی‌شود آثار شاپور را طبقه‌بندی کرد اما برایتان چند نمونه از کاریکلماتورهای دستچین شده‌اش را آورده‌ایم:

به عقیده گیوتین، سر آدم زیادی است... به یاد ندارم نابینایی به من تنه زده باشد... چرا همیشه نمیشه!... گربه بیش از دیگران در فکر آزادی پرنده محبوس است... غم، کلکسیون خنده‌ام را به سرقت برد... گلبول‌های سفید خونم جسد میکروب را اشک‌ریزان تا گورستان به دوش کشیدند... مرحوم درخت با کمک نجار از نردبان چوبی بالا می‌رود... باد به کمک موج به ماهی می‌وزد.

جایی برای شاپور نیست

پرویز شاپور با تمام سوابق درخشان ادبی‌اش و به عنوان یکی از کسانی که از ادبیات مدرن کشورمان سهم اساسی دارد، بیش از اندازه مورد کم لطفی اهالی رسانه قرار گرفته است. هیچ وقت جایی در مطبوعات نداشته و اگر جسته و گریخته یادی از او شده باشد، زیر سایه فروغ فرخزاد و با عنوان «همسر فروغ» بوده است.

در همه ۳۳ سالی که پس از مرگ فروغ زندگی کرد، مطبوعات بارها برای فروغ مرثیه‌سرایی کردند و مدحش را گفتند، اما در رسانه‌هایمان انگار هیچ وقت جایی برای پرویز شاپور و کاریکلماتورهایش نبود. شاید راست می‌گویند اطرافیانش. این بی‌توجهی لابد نتیجه انتخاب شخصِ شاپور باشد که در همه این سال‌ها دلش می‌خواست سکوت کند، منزوی باشد و برای دلش بنویسد. «کامی» می‌گوید، شاپور همیشه می‌گفت: همه مردم جهان به یک زبان سکوت می‌کنند.

آن روزها

سینا واحد

تاریخ هویت آینده

از داستان قهرمانانه و خونین مشهد مقدس در سال ۱۳۱۴ تا پایان حکومت دیکتاتوری رضاخان، بیش از ۶ سال زمان حکمرانی و حکومت با سر نیزه، فرصت در اختیار دارد تا استراتژی سیاه ضدفرهنگ ملی و هویت دینی را پیاده‌سازی کند و این زمان برای حکومت مرگ‌آفرین رضاخانی کافی است. ماشین وحشتبار حکومت به‌راحتی می‌تواند سرتاسر ایران زمین را درنوردد و همه سنت‌های فرهنگ ملی را بی‌چهره و بی‌خاصیت سازد و هرگونه مقاومت محلی یا «پاره فرهنگی» را در برابر نقشه دولت و سیستم کودتای «ژنرال آیرون ساید» و قدرت استعماری انگلیس سرکوب کند. اما تاریخ روزها و ماه‌های پس از «قیام گوهرشاد» آشکارا می‌گوید دستگاه حاکمیت سیاسی و امنیتی رضاخان، در کاخ ترس سکونت گزیده است و با اینکه ژست آرامش و شجاعت به خود گرفته، ولی می‌توان مشاهده کرد که در ترس و وحشت نفس می‌کشد و تصمیم می‌گیرد و حکمرانی دیکتاتوری را تداوم می‌بخشد.

شعله‌های ترس فزاینده کاخ دیکتاتوری را به‌خوبی می‌توان از این تصمیم عجولانه دریافت. رفتار خطرناک و بی‌خردانه و ناشیانه حکومت رضاخان، با آیت‌الله مدرس که هم در حبس به سر می‌برد و هم در تبعید، به‌خوبی نشان می‌دهد که سیستم دفاعی امنیتی رضاخان از تعادل خارج شده و در جاده ترس و بیم قرار گرفته است! آری، چندین روز پس از خونین شدن گوهرشاد، دستور قتل شخصیتی صادر می‌شود که چند سال است او را از تهران به «کاشمر» تبعید کرده‌اند.

از طرفی، نزدیک به ۲۰ تن از شخصیت‌های روحانی شهر مقدس مشهد که در این زمینه دستگیر شده‌اند، به سیستم قضای ارتش سپرده می‌شوند و این اقدام حکومت، تنها یک معنا دارد و بس و آن عبارت است از: ترس فزاینده از براندازی. به هرحال، دایره بزرگ ترس و هراس که برای حکومت دیکتاتوری درست شده بود و-رضاخان و سیستم امنیتی‌اش- نمی‌توانستند خود را از آن نجات دهند؛ سبب شد تا «استراتژی سیاه» ایران بشکند و فصل‌ها و بخش‌های بعدی آن، از دستورکار کنار گذاشته شود. یکی از مهم‌ترین فصول این استراتژی، قطع رابطه با زیبایی‌شناسی تاریخی هویت ایرانی بود که با ایجاد انفجار فراماسونری در زبان و ادبیات و شعر فارسی، منتظر وقوع آن بودند و اگر این انفجار صورت عملی به خود می‌گرفت، در حقیقت شخصیت تاریخی زبان و هویت ایرانی آنچنان به هم می‌ریخت که بازسازی یا بازگشت به سیمای حقیقی آن در ردیف مفاهیم ناممکن‌ها قرار می‌گرفت.

آری، «ایران نوین رضاشاهی» قرار بود با اضمحلال ریشه‌دارترین سنت فرهنگی ایران زمین، یعنی ویرانی مفهوم حجاب و تخریب روانی و عاطفی جامعه زنان، افتتاح شود و با تخریب گسترده صورت الفبا و جایگزینی حروف و صورت لاتین، هرگونه نگاه و چشم‌انداز تاریخی به زیبایی‌شناختی گذشته، دچار اختلال شود تا سرانجام به تحقیر همه‌جانبه تاریخ زیبایی‌های میهنی و ایرانی بینجامد! اما آن گونه نشد که دشمنان می‌خواستند. شهدای گوهرشاد با جوانمردی در برابر تغییر تاریخی هویت دینی و ملی ایستادند و با ایستادگی، تاریخ هویت آینده را از هر گزند و شبیخونی حفظ کردند.

منهای سیاست

آیا یک کوچ دیگر در راه است؟

فؤاد آگاه: چند سال پیش که کاربران پیر و جوانِ ایرانی در یک کوچ دسته جمعی، جُل و پلاسشان را از «وایبر» جمع کرده، روی کولشان گذاشتند تا در «تلگرام» پهن کنند، خیلی از تحلیلگران رسانه و فضای مجازی گفتند و نوشتند که دست‌های پشت پرده دولتی و غیردولتی که با دست‌های تلگرام توی یک کاسه بوده‌اند، در این کوچ نقش داشته‌اند. این را گفتیم که اگر فردا دیدید یا شنیدید، کاربران پا به کوچ ایرانی دارند از «تلگرام» به مثلاً «واتساپ» می‌روند، ما را مقصر یا «دست پشت پرده» معرفی نکنید. مسئولیت خبری‌اش با «مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران» است که دیروز خبرگزاری «مهر» نظرسنجی‌اش را منتشر کرد و نوشت: «جامعه آماری شامل همه مردم ایران در نظرسنجی روزهای ۱۷ و ۱۸ تیرماه ۹۸، به پرسش «شما از کدام شبکه اجتماعی استفاده می‌کنید؟» پاسخ داده‌اند که نتایج آن به این شرح است: ۴۲/۸ درصد واتساپ، ۴۲/۴ درصد تلگرام، ۳۹/۵ درصد اینستاگرام، ۲/۸ درصد سروش، ۲/۳درصد فیس‌بوک، ۱/۹درصد توییتر، ۱/۳ درصد ایتا، ۰/۸ درصد لاین، ۰/۷ درصد بله، ۰/۶ درصد آی گپ، ۰/۵ درصد گپ، ۰/۲ درصد بیسفون، ۰/۱ درصد ساینا استفاده می‌کنند و ۳۰/۴ درصد هم از هیچ شبکه اجتماعی استفاده نمی‌کنند». به نظر شما این بار هم در ماجرای پیش افتادن پیام‌رسان واتساپ از تلگرام و نرفتن کاربران به سمت پیام‌رسان‌های وطنی، دست‌های پشت پرده دولتی یا غیردولتی نقش دارند؟

روزمره‌نگاری

ترسو نیستند!

رقیه توسلی: دقیقاً پنج ساعت بعد که متوجه می‌شوم تشریف آورده، با توپ پُر می‌روم سراغش: آخر مادر هم این‌قدر میدان خالی کن! این‌قدر بُزدل! یکی را نشان بده با چند چلیک زپرتی، خانه زندگی‌اش را ول کند برود! هول کردن هم به‌خدا قاعده‌های خودش را دارد. حداقلش برای ما نیست که روزی ۱۰ نوبت همدیگر را می‌بینیم. مگر از همان اولین بار که وقت خانه‌سازی دیدمتان، برای عرض تبریک پیشقدم نشدم و خودمان را معرفی نکردم؟ توضیح ندادم شما همسایه چه آدم‌هایی شده‌اید؟ ببین، کار تو عجیب شبیه این است که مثلاً من وقتی خرگوش، طوطی، سگ و سنجاب اهل آپارتمان را می‌بینم، پا بگذارم به فرار. آن هم چی؟ بعد چند بار دیدار و گپ و گفت مفصل. نمی‌دانم چرا هر چه به کلهام فشار می‌آورم، نمی‌توانم حجم واهمه ات را از یک دستگاه موبایل زهوار دررفته فسقلی بفهمم... بگذریم... اما دفعه آخرت باشد فرار را بر قرار ترجیح می‌دهی... مادر که این‌قدر ترسو نمی‌شود! قوقویت را هم می‌گذارم پای درک حرف‌هایم، اما بدان خیلی از دستت شاکی‌ام. باز نیایم ببینم فاز ویار برداشتی این دو طفلک به دنیا نیامده را ول کردی به امان خدا... راستی وسط غُرغُرهایم بگویم کل این ساعت که گذاشتی رفتی و دو عدد عکس را کوفت من کردی حواسم به زندگی‌ات بود. در ضمن ترسو خانوم! یکی دو مشت گندم و خرده نان گذاشتم برایت، بخور جان بگیری. با جفتی چشم کوچولوی گرد و گردنی کج نگاهم می‌کند... آرام نیست... نامطمئن تکانی می‌دهد به پروبالش... احساس می‌کنم عمیقاً دلخور است به‌خاطر اینکه پرنده بودنش را نمی‌فهمم و وسط گرما و شرجی مرداد فقط مسلسل‌وار دارم حرف می‌زنم؛ بی هیچ دانایی... بی‌هیچ عذرخواهی... بی‌هیچ فهمی از مادرانگی.

قُمری نوشت: این که گرفتی سمتم پس تفنگ نبود؟ امان از آدمیزاد هزارچهره... یک روز شکارمان می‌کند، یک روز عکسمان را می‌اندازد!

ورزش

۱۰ ۱۱

دنیزلی: قولی برای قهرمانی نداده‌ام

از رقابت با کالدرون واستراماچونی نمی‌ترسم

قرعه کشی نوزدهمین دوره لیگ برتر در مشهد برگزار شد

دربی سرخابی در هفته چهارم

بالاخره قرعه کشی رقابت های لیگ نوزدهم در مشهد برگزار شد تا یک گام دیگر به شروع رقابت های پر حرف و حدیث لیگ برتر در فصل جدید نزدیک تر شویم. حضور نمایندگان باشگاه ها و مدیران عامل ۱۶ باشگاه لیگ برتری در مشهد همراه با مدیران فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ در تالار شهر مشهد، نشان از این داشت که اهالی فوتبال به شدت منتظر برگزاری این مراسم بودند.

با این حال اما هنوز تاریخ شروع مسابقات لیگ نوزدهم مشخص نیست و مربیان و مدیران عامل باشگاه های لیگ برتری در بلاتکلیفی کامل به سر می برند که چه زمانی بازی های هفته نخست برگزار خواهد شد. اظهار نظرهای متناقض مهدی تاج و مسئولان وزارت ورزش و جوانان نشان از اختلافات عمیق میان این دو نهاد ورزشی دارد که سرانجام و محصول این اختلافات تاخیر در برگزاری مسابقات لیگ نوزدهم است . با این وجود همچنان مسئولان سازمان لیگ و ...

بدشانسی سبب شد در لیگ ملت‌ها مدال نگیریم

معنوی نژاد: در روسیه به اوج بر می‌گردیم

مجاز آباد

تو را کم داریم عباس جان

کاربران فضای مجازی همزمان با سالروز شهادت شهید «عباس بابایی» هشتگ مربوط به نام او را در توییتر فارسی داغ کردند. در ادامه نمونه‌هایی از پیام منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «چقدر خالی است جای تو. این روزگار چقدر مردانی مثل تو را نیاز دارد، تا تاب بیاورد این همه نامردمی‌ها را عباس جان!... به نقل از همسر شهید بابایی: از طرف یکی از دوستان به میهمانی دعوت شدیم؛ وارد مجلس که شدیم، دیدیم وضع زننده‌ای حاکم است. به او دروغ گفته بودند که فقط یک میهمانی ساده است! سریع از میهمانی خارج شدیم؛ آن شب عباس فقط می‌گریست و قرآن می‌خواند».

بی‌خیالِ بازی‌های سیاسی

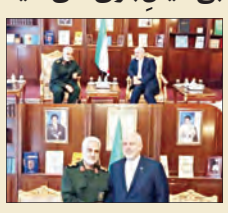

کاربران فضای مجازی در واکنش به انتشار تصاویر دیدار ظریف و سردار سلیمانی هشتگ ظریف را در توییتر ترند کردند. یکی از کاربران در واکنش به این دیدار در توییتر نوشته است:«احتمالاً حمله به سردار شروع بشه، اما باید یادآوری کنم که ایشان از برجام و مذاکره تمجید نکرد، بلکه گفت: به شما تبریک می‌گویم که به دلیل انتساب به رهبری مورد غضب و دشمنی آمریکا قرار گرفته‌اید». کاربر دیگری هم نوشته است:«سردار سلیمانی به این خاطر محبوبه که کاری به بازی‌های سیاسی نداره و به مصلحت کشور فکر می‌کنه».

به احترام خاطرات

شایان مصلح، بازیکن سابق پرسپولیس پس از پیوستن به سپاهان در صفحه اینستاگرامش نوشت: «فیلمِ روز خداحافظی‌ام با سپیدرود را نگاه می‌کنم که هواداران سپیدرودِ دوست داشتنی فریاد خداحافظی برایم سر می‌دادند و پیرمردی نه برای احترام به من که به احترام خاطراتش با منی که لباس سپیدرود به تن داشت، ایستاده مرا تشویق و اشک‌هایش را پاک می‌کرد! حالا دو سال پس از خداحافظی با سپیدرود، نوبت خداحافظی با هواداران پرسپولیس است و چقدر برایم سخت است».

معرفی نوشت‌افزار ایرانی به دنیا

دو هشتگ #ایران_نوشت و #نوشت_افزار_ایرانی به مناسبت برگزاری هفتمین نمایشگاه «ایران نوشت» در توییتر داغ شده است. کاربران تلاش می‌کنند در قالب این هشتگ‌ها، هموطنان را به استفاده از نوشت‌افزار ایرانی تشویق کنند. یکی از کاربران فضای مجازی نوشته است: «سالانه رقمی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان ارز با آغاز سال تحصیلی بابت واردات نوشت‌افزار از کشور خارج می‌شود که در این بازار میلیاردی نباید از سود واردکنندگان و دلال‌ها غافل شد. به‌تازگی برندهای کم‌نظیر نوشت‌افزار در داخل تولید شده که نوشت‌افزار ایرانی رو به دنیا معرفی می‌کنه».

بلیچر ریپورت

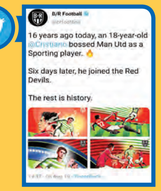

رسانه ورزشی بلیچر ریپورت در توئیتر خود به شکلی جالب توجه به نخستین بازی که کریستیانو رونالدو جهان فوتبال را تحت تاثیر خود قرار داد پرداخته است. شازده سال پیش رونالدو در دیدار تدارکاتی پیش فصل اسپورتینگ لیسبون مقابل منچستر یونایتد یکی از بهترین بازی های ممکن را از خود به نمایش گذاشت تا الکس فرگوسن بگوید بر تغل را ترک نخواهد کرد تا این بازیکن ۱۸ ساله را خریداری کند. بلیچر ریپورت این بازی را به صورت داستان های کمیک با گرافیکی زیبا بازسازی کرده است.

دنی آلوز

بازیکن کهنه کار و بسیار موفق برزیلی، همانند همه فوتبالدوستان از استقبال گوم هواداران اینم جدیدش شگفت زده شده است. دنی آلوز بازیکن سابق بارسلونا، یوونتوس و پی اس جی که از لحاظ تعداد کسب جام، موفق ترین بازیکن تاریخ محسوب می شود در تصمیمی جالب توجه به باشگاه سائوپائولوی برزیل پیوست که طرفداران بی شمار این تیم در فرودگاه شهر، به گونه ای خیره کننده از او استقبال به عمل آوردند که وی در استوری خود آن را بازتاب داده است.

منچسترسیتی

حساب توییتر باشگاه منچستر سیتی انگلستان، به شدت از جملات اخیر دیگو سیمئونه سرمربی آتلتیکومادرید درباره این باشگاه برآشفته و در توییتی به تمسخر باشگاه سرمربی آرژانتینی می پردازد. به تازگی سیمئونه باشگاه سیتی را باشگاهی بدون تاریخ لقب داد، که سیتیزن ها نیز در توییت خود عکسی از لباس مخصوص بزرگداشت ۱۲۵ سالگی این باشگاه منتشر کرده و می گویند در سال ۲۰۲۸ که آتلتیکو به این قدمت خواهد رسید به سیمئونه برای برگزاری جشن کمک خواهند کرد!

یوونتوس

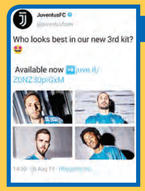

باشگاه یوونتوس در آستانه آغاز فصل جدید سری آ ایتالیا از لباس سوم خود رونمایی کرد که انتشار عکس های این مراسم در شبکه های اجتماعی، از یک جنبه دیگر برای هواداران بانوی پیر دلگرم کننده بود. خارج از زیبایی لباس آبی رنگ جدید یووه به عنوان لباس سوم، عکس های بانوئو دیبالا با این لباس که همگان او را در آستانه خروج از تورین می دیدند به این معنی است که فصل آینده نیز هواداران بیانکونری وی را تیم خود خواهند داشت.

ضد حمله

دستمزد ۵۰۰ هزار یورویی برای مجید حسینی

ورزش: روزنامه Fotomac ترکیه نوشت: مجید حسینی که فصل گذشته از استقلال به ترابزون اسپور آمده بود ۲۹ بازی در ترکیب این تیم انجام داد که تحسین کادر فنی و هواداران را برانگیخت. بر اساس این گزارش، باشگاه ترابزون اسپور تصمیم دارد قرارداد مجید حسینی که فصل پیش رو به پایان می رسد را تمدید کند. این مدافع ۳۳ ساله ایرانی سالیانه دستمزد ۵۰۰ هزار یورویی دریافت می کند. تیم ترابزون اسپور ترکیه دو روز دیگر در برزی دور رفت مرحله سوم حذفی لیگ اروپا به مصاف تیم اسپارتا پراگ جمهوری چک می رود.

پیشنهاد تراکتورسازی به مهاجم پیشین رم

ورزش: با اعلام یکی از رسانه های ایتالیایی، باشگاه تراکتورسازی خواهان جذب مهاجم پیشین تیم فوتبال رم شده است. سایت خبری «توتو مرکاتو» ایتالیا در خبری که دیروز منتشر کرد، از پیشنهاد باشگاه تراکتورسازی به یک مهاجم ایتالیایی خبر داد. استفانو پنتیری مهاجم ۲۷ ساله پیشین لچه که فصل گذشته به صورت قرضی در کروتونه بازی می کرد، سابقه حضور در تیم های پسکارا، سیمنا و رم ایتالیا را در کارنامه دارد.

دعوت از ۱۸ بازیکن به اردوی تیم ملی فوتسال

ورزش: سید محمد ناظم الشریعه، اسیاسی ۱۸ بازیکن دعوت شده به اردوی آمادگی این تیم را اعلام کرد. این اردو از ۱۷ تا ۲۰ مرداد در هتل آکادمی برگزار می شود. بازیکنان دعوت شده به این اردو به شرح ذیل است: محمد نوبدبخت و سعید افشار (اصفهان)، سیدحسان سهیلی مقدم، پیمان سرلک و محسن منتظمی (البرز)، رحمان سارانی و بهزاد عظیمی (خراسان رضوی)، فرهاد ابراهیمی، شهاب طالبی، سجاد مسیحی و سعید ترابیده (خوزستان)، احمد اسماعیل پور (گیلان)، فرید نادری (کرمانشاه)، حمیدرضا رنجام (مازندران)، طاها نعمتیان، مهدی کریمی و علیرضا جوان (مرکزی) و پوریا گلشنی (هرمزگان).

منصوریان: در دوحه صعود می کنیم

ورزش: علیرضا منصوریان، سرمربی ذوب آهن ایران پس از شکست تیمش مقابل الاتحاد عربستان گفت: در مورد بازی رفت باید بگویم با توجه به اینکه نتیجه ۲ بر یک شد و ما حتی می توانستیم در نیمه اول به گل دوم برسیم، نتیجه بدست آمده برای ما خوب است و در بازی برگشت امیدوار به جبران هستیم. وی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه در بازی برگشت نتیجه یک بر صفر منجر به صعود ما می شود، باید در بازی تمرکز لازم را داشته باشیم و در دقایق بدون اشتباه ظاهر شویم. الاتحاد در دوحه قطعاً از ما گل خواهد خورد و به امید خدا صعود خواهیم کرد.

گل گهر یک بازیکن هلندی به خدمت گرفت

ورزش: گل گهر سیرجان، کوین جانی جانسون را به جمع شاگردان وینگو بگووبچ اضافه کرد. کوین جانی جانسون که سابقه بازی در لیگ برتر هلند را دارد، با عقد قراردادی به گل گهر سیرجان پیوست و شاگرد وینگو بگووبچ در این تیم شد. جانسون سابقه حضور در تیم ملی زیر ۲۱ سال هلند را در کارنامه خود دارد.

ناکامی استقلال در جذب ملی پوش عراقی

ورزش: روزنامه الوطن قطر با اشاره به مذاکرات صورت گرفته از جانب باشگاه استقلال برای جذب حسین علی بازیکن الزوراء امده است: مذاکرات باشگاه استقلال که برای به خدمت گرفتن این بازیکن تلاش می کرد نتوانست به نتیجه ای برسد و هافبک عراقی فصل آینده همچنان برای الزوراء در لیگ عراق بازی می کند.

جهانبخش به تمرینات برایتون برگشت

ورزش: هافبک ایرانی برایتون به انگلیس برگشت و در تمرینات تیمش شرکت کرد تا شایعات بازگشت او به انگلمار به پایان برسد. به نقل از فارس، در روزهای اخیر شایعات فراوانی پیرامون جدایی علیرضا جهانبخش از برایتون و بازگشت این بازیکن به لیگ هلند مطرح شده اما این بازیکن دیروز راهی انگلستان شد و در تمرینات صبحگاهی تیمش شرکت کرد تا به شایعات پایان دهد.

بازگشت علی کریمی با گل به ترکیب استقلال

ورزش: علی کریمی آخرین بازیکنی است که به تمرینات استقلال اضافه شد و شرایطی برای او پیش آمد که قرارداد را دریرتر از سایر بازیکنان با آبی ها تمدید کرد. کریمی در بازی دوستانه برابر ماشین سازی به دلیل اینکه تازه به تمرینات اضافه شده بود حضور نداشت اما در بازی برابر تیم جوانان باشگاه که استراماچونی آن را برای بازیکنان ذخیره تیم در نظر گرفته بود به میدان رفت و اتفاقا موفق شد گل سوم تیمش را بزند. کادرفنی استقلال در تلاش هستند علی کریمی را تا شروع لیگ به شرایط ایده آل برسانند که در این صورت رقابت در پست هافبک دفاعی بسیار داغ خواهد چراکه مسعود ریگی و فرشید باقری هم اکنون در فرم ایده آل برای این تیم بازی می کنند.

واکنش باشگاه سپاهان به مذاکره با «چشمی»

ورزش: سرپرست تیم فوتبال سپاهان مذاکره با مدافع فصل گذشته تیم فوتبال استقلال را تکذیب کرد. به نقل از روابط عمومی باشگاه فولاد مبارکه سپاهان، رضا فتاحی، سرپرست تیم فوتبال این باشگاه گفت: این موضوع برای یک ماه قبل بود، اما تصمیم ایشان این بود که فوتبالش را در خارج از ایران ادامه دهد و مذاکراتی هم که بین طرفین شده است برای یک ماه پیش بوده است فتاحی افزود: چشمی دوست دارد فوتبالش را در خارج از ایران ادامه دهد و بعد از تصمیم یک ماه پیش او دیگر مذاکره ای صورت نگرفته است.

فتحی: پروپنیچ با فیفا طرف است نه استقلال

ورزش: امیرحسین فتحی مدیرعامل باشگاه استقلال درباره پرونده پروپنیچ که در نهایت با تصمیم فیفا حل شد، توضیح داد: فیفا حکم داده که این پول را پرداخت کند و در حال طی شدن تشریفات لازم برای انجام این کار است. فیفا در نامه ای که به فدراسیون فوتبال هم ارسال کرد، اعلام کرد که طلب پروپنیچ با توجه به تصمیمات موجود در این نامه، پرداخت شده فرض می شود. مشکل اصلی ما در این ماجرا، مشکل حقوقی و قضایی اش بود که باشگاه متحمل کسر امتیاز و محرومیت از نقل و انتقالات نشود که خدا را شکر این مشکل را حل کردیم. مدیرعامل استقلال افزود: اینکه وکیل پروپنیچ تاکنون طلب این بازیکن را گرفته باشد، در جریان نیستم چون فیفا عمل پرداخت به این بازیکن را بر عهده گرفته است. در واقع، فیفا طرف حساب پروپنیچ است.

دنیزلی: قولی برای قهرمانی نداده‌ام

از رقابت با کالدرون و استراماچونی نمی ترسم

ورزش: مصطفی دنیزلی، سرمربی تراکتور که انتظار زیادی به تأخیر در برگزاری لیگ دارد، او معتقد است یکی از آماده ترین تیم های حاضر در لیگ ایران، در اختیارش قرار گرفته و تیمش می تواند یکی از مدعیان قهرمانی باشد. این سرمربی در گفتگو با اسپادر باره مسائل کرد که شرح آن را در ادامه می خوانید.

● تیم شما نسبت به رقبایتان تمرینات زودتر شروع کرد. تأخیر ایجاد شده، تیم شما را اذیت نمی کند؟

از همان ابتدا که انتخاب شدم و با توجه به برنامه ای که داشتم، تمرینات خود را خیلی زود آغاز کردیم و حتی به اردوی ترکیه هم رفتیم. من انتظار چنین تأخیری را برای آغاز لیگ نداشتم و این بی گمان به ضرر تیم من است. این تأخیر سبب می شود که برنامه تیمم تغییر کند.

● چه راهکاری برای این مسئله دارید؟

ما الان وسط مشکل هستیم. تاریخ شروع لیگ ارینجم مرداد به دهم مرداد تغییر کرد و به تازگی مشخص شده است چه روزی قرار است بازی افتتاحیه برگزار شود. بازیکنانی دارم که می توانم در بازی های مختلف از آن ها بازی بگیرم اما در کل فشردگی برای هیچ تیمی خوب نیست و سبب سردرگمی می شود.

● تعداد بازیکن زیاد برای لیگ های فشرده خوب است اما آیا این مربی را برای نیمکت نشین کردن ستاره ها در بعضی دیدارها اذیت نمی کند؟

هر مربی دوست دارد که بازیکنان زیادی داشته باشد و بتواند از انگیزه آن ها در رقابت برای حضور در ترکیب اصلی استفاده کند. من هم از این قضیه مستثنا نیستم و در هر بازی بهترین بازیکنانم را به میدان خواهم فرستاد.

● یکی از رسانه ها خبر از لغو حضور دو مهاجم خارجی در تراکتور داد. آیا این پایان نقل و انتقالات تیم است؟

خیر. ما قصد داریم دو بازیکن را در فرصت باقی مانده جذب کنیم. تراکتور دو مهاجم نخواهد گرفت بلکه دو بازیکن متوازن خواهد گرفت که یکی از آن ها مهاجم نوک خواهد بود. شرایط جذب بازیکن سخت و بعضی ها قیمت زیادی دارند و بعضی دیگر از بازیکنان نیز تمایلی به دروغ می گویند این بازیکن تحت اختیار من است. بعد از آن بازیکن می گوید صحت ندارد. این مسائل است که مشکل ساز می شود. من می گویم چطور من مربی نمی توانم بیش از دو، سه بازیکن عوض کنم؟ مگر می شود اینجنت ۴۰ بازیکن داشته باشد؟ مگر اینجا کیلویی یا خواری بازیکن جابه جا می کنیم؟ باید یک قوانینی باشد که چنین مسائلی پیش نیاید و یک مدیر برنامه با ۱۰ بازیکن ارتباط نداشته باشد. ما مدیران باشگاه ها باید یک مقدار محکم تر باشیم تا بیشتر از این متضرر نشویم.

● پس از این اتفاقات با بازیکنان این دلال چطور رفتار می کنید؟

بازیکن گناهی ندارد، همان احترامی که برای سایر بازیکنان قائلم، با این بازیکنان هم همان رفتار انجام می دهم و با بازیکن مشکلی ندارم. من راه خودم را می روم و تا روزی که در فوتبال باشم اصول خودم را دنبال می کنم و باید به یکسری قوانین پایبند باشم. همه می دانند که نساجی با چه پروسه ای به اینجا رسیده است. تیمی که نه مالک مشخصی داشت و بازیکن ۵۰ روز بدون قرارداد تمرین کرد و حتی از جیبمان هزینه کردیم و به عشق نساجی کار کرد و حالا اگر با چنین رفتاری از دوستان مواجه شویم، خیلی زشت است.

● شما باید برای قهرمانی با دو مربی خارجی جدید لیگ ایران یعنی کالدرون آرژانتینی و استراماچونی ایتالیایی رقابت کنید. ارزیابی شما از این موضوع چگونه است؟

من ایران را به چند دلیل انتخاب کردم و اینجا را تمجید می کنم زیرا من را اینجا خیلی دوست دارند و من هم این کشور را خیلی دوست دارم. خاطرات خوبی در پرسپولیس و پاس داشتم. دوستان ایرانی زیادی دارم که اکنون با مربی یا بازیکن هستند. رقیبان خوبی داریم که فقط در طول ۹۰ دقیقه رقیب ما هستند و تا بد رفیق ما خواهند بود. اینن دو مربی هم انسان های با ارزشی هستند و ترسی از رقابت با آن ها ندارم بلکه این رقابت جذاب خواهد بود و هر کدام از ما برای موفقیت تیممان تلاش خواهیم کرد. ان دو تیم های خوبی دارند اما تیم من بهتر از همه است و این موضوع به کیفیت فوتبال ایران کمک می کند.

بازخوانی جنجال خونین در تمرین نساجی مازندران از زبان سرمربی

مهاجری: چرا یک دلال با ۴۰ بازیکن قرارداد دارد؟!

ورزش: ماجرای درگیری خونین و کتک کاری یک دلال داخلی با سرمربی تیم فوتبال نساجی قائمشهر در حاشیه تمرینات این تیم، حاشیه های زیادی را در فضای رسانه ای کشور به وجود آورد تا حدی که حالا شنیده می شود کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال قصد دارد بـ دون فوت وقت به پرونده دلال های داخلی ورود پیدا کند. به بهانه این اتفاق به سراغ رضا مهاجری رفتیم تا با وی در ارتباط با این ماجرا و اتفاقات مرتبط با آن درگیری با وی گفت و گو کنیم.

● ماجرای درگیری فیزیکی شما با یک دلال داخلی و مصدومیت شما در این حادثه باز تاب گسترده ای داشت، ماجرا به چه شکل بود؟

این اتفاقات در تمرین ما صورت نگرفت. بازی بادران و پدیده در زمین راه ها برگزار می شد و پس از پایان این بازی، ما برای شروع تمرین آماده می شدیم، آقای کاظمی، سرمربی تیم بادران کنار زمین بود که با ایشان احوالپرسی کردیم. بعد از چهار، پنج دقیقه آن آقا شروع به توهین کرد که البته این کار او پیش از این هم سابقه داشته است. ببینید من یکسری اصول دارم و طبق آن کار می کنم. متأسفانه درگیری پیش آمد و دوستان من را گرفتند و این آقا یک وسیله ای را به سمت من پرتاب کرد. الان به صورت قانونی این موضوع را پیگیری می کنم. در اینجا جا دارد از یکسری همکاران و مربیان که در آن لحظه کمک کردند، تشکر کنم.

● گویا بعد از درگیری لفظی کار به کتک کاری کشیده شد، به شکلی که شما از ناحیه بینی مصدوم و برخی بازیکنان هم به سمت این دلال حمله و رشدند؟

در درگیری پیش آمده سرانجام حوا پخش نمی شود و آن شخص کتک شدیدی هم خورد! آن اتفاق خیلی زشت بود. متأسفانه یکسری از آقایان مسیر را به سمتی می برند و چیزهایی را که در این سال ها ندیدیم، باید ببینیم. خواهش من از کمیته اخلاق و فدراسیون فوتبال این است که به هر کسی اجازه ندهد این اتفاقات را به وجود بیاورد. این آقا، آقای کوچک زاده (سرپرست تیم نساجی) را هم چندین بار تحت فشار گذاشته بود. او دو سه بازیکن در تیم ما دارد این رفتار ها رفتار یک اینجنت نیست بیشتر شبیه رفتار دلال هاست.

● خواسته اصلی این دلال از شما چه بود؟

این آقا حداث می کند، می گوید چرا فلان بازیکن را نمی گیرید! من بازیکن را می خواهم و با دلال و اینجنت کار ندارم. وقتی به دروغ می گویند این بازیکن تحت اختیار من است، بعد از آن بازیکن می گوید صحت ندارد، این مسائل است که مشکل ساز می شود. من می گویم چطور من مربی نمی توانم بیش از دو، سه بازیکن عوض کنم؟ مگر می شود اینجنت ۴۰ بازیکن داشته باشد؟ مگر اینجا کیلویی یا خواری بازیکن جابه جا می کنیم؟ باید یک قوانینی باشد که چنین مسائلی پیش نیاید و یک مدیر برنامه با ۱۰ بازیکن ارتباط نداشته باشد. ما مدیران باشگاه ها باید یک مقدار محکم تر باشیم تا بیشتر از این متضرر نشویم.

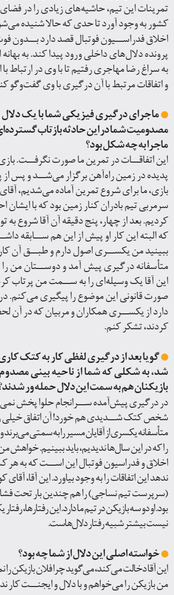

قرعه کشی نوزدهمین دوره لیگ برتر در مشهد برگزار شد

دربی سرخابی در هفته چهارم

عکس: وحید جلالی / قدس

ورزش: بالاخره قرعه کشی رقابت های لیگ نوزدهم در مشهد برگزار شد تا یک گام دیگر به شروع رقابت ها بر حرف و حدیث لیگ برتر در فصل جدید نزدیک تر شویم. حضور نمایندگان باشگاه ها و مدیران عامل شانزده باشگاه لیگ برتری در مشهد همراه با مدیران فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ در تالار شهر مشهد، نشان از این داشت که اهالی فوتبال به شدت منتظر برگزاری این مراسم بودند تا مشخص شود.

با این حال اما هنوز تاریخ شروع مسابقات لیگ نوزدهم مشخص نیست و مربیان و مدیران عامل باشگاه های لیگ برتری در بلاتکلیفی کامل به سر می برند که چه زمانی بازی های هفته نخست برگزار خواهد شد. اظهار نظرهای متناقض مهدی تاج و مسئولان وزارت ورزش و جوانان نشان از اختلافات عمیق میان این دو نهاد ورزشی دارد که سرانجام و محمول این اختلافات تاخیر در برگزاری مسابقات لیگ نوزدهم است. با این وجود همچنان مسئولان سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال بر مواضع قبلی خود پافشاری می کنند و معتقدند برگزاری مراسم قرعه کشی لیگ برتر دلیلی بر شروع رقابت های لیگ برتر نیست و تا مادامی که ورزشگاه های کشور استاندارد سازی مورد نظر را به اجرا در نیاورند زمان برگزاری رقابت های لیگ برتر اعلام نخواهد شد.

با این حال برخی مسئولان باشگاه های لیگ برتری مدعی اند مسئولان فدراسیون و سازمان لیگ در واکنش به اعتراض های مکرر آن ها در خصوص زمان شروع مسابقات لیگ برتر ۲۹ مردادماه را به آن ها وعده دادند و تاکید کردند همزمان با عید غدیر مسابقات لیگ نوزدهم آغاز خواهد شد.

محمدرضا دادورزنی درباره تاریخ برگزاری لیگ برتر فوتبال بیان کرد: من نگفتم لیگ ۲۳ مردادماه شروع می شود. دیروز قرعه کشی در مشهد برگزار شد و سپس زمان شروع لیگ به اعلام آمادگی استادیوم ها و باشگاه ها مبنی بر استاندارد بودن، برمی گردد. در بحث استاندارد بودن چهار مورد مطرح بود صندلی دار شدن، شماره دار شدن نصب دوربین های امنیتی و گیت های ورودی.

دادورزنی در پاسخ به این پرسش که چرا تاریخ برگزاری لیگ مشخص نیست، گفت: فکر می کنم تا قبل از پایان مرداد لیگ برتر فوتبال برگزار شود و به غیر از دو باشگاه بقیه کارهای استانداردسازی را انجام داده اند و فقط نصب گیت های ورودی مانده است.

فدراسیون فوتبال نگران این است که با تاخیر در نصب گیت های ورودی با مشکل روبه رو شود. اما با جلسات که برگزار شده به محض اینکه فهرست نهایی استادیوم سپس زمان شروع لیگ به اعلام آمادگی استادیوم ها و باشگاه ها مبنی بر استاندارد بودن، برمی گردد. در بحث استاندارد بودن چهار مورد مطرح بود صندلی دار شدن، شماره دار شدن نصب دوربین های امنیتی و گیت های ورودی.

مرداد برگزار شود البته از سازمان لیگ بپرسید خیالتان راحت تر است.

از دو مورد اینکه گفته شده دادورزنی به حضور بانوان در ورزشگاه ها اعتقادی ندارد، تاکید کرد: بحث لیگ داخلی بود که استادیوم ها شرایط و ظرفیت حضور خانم ها را ندارند. همه استادیوم ها این آمادگی را ندارند که بانوان بروند و اما بازی های ملی که در آزادی یا ناقش جهان و از این قبیل برگزار شود این شرایط را دارد. برای لیگ برتر جلو باید برویم و شرایط استادیوم ها آماده تر شود.

هفته اول
- نفت مسجد سلیمان – تراکتورسازی تبریز
- ذوب آهن اصفهان – سایپا تهران
- ماشین سازی تبریز – استقلال تهران
- گل گهر سیرجان – نساجی مازندران
- شاهین بوشهر – سپاهان اصفهان
- فولاد خوزستان – نفت آبادان
- پیکان تهران – شهر خودرو مشهد
- پرسپولیس تهران – پارس جم

هفته دوم
- تراکتورسازی – پرسپولیس
- پارس جم – ذوب آهن اصفهان
- استقلال تهران – فولاد خوزستان
- سایپا تهران – گل گهر سیرجان
- نفت آبادان – نفت مسجد سلیمان
- شهر خودرو مشهد – شاهین بوشهر
- سپاهان اصفهان – ماشین سازی تبریز
- نساجی مازندران – پیکان تهران

هفته سوم
- ذوب آهن اصفهان – تراکتورسازی
- نفت مسجد سلیمان – استقلال تهران
- گل گهر سیرجان – پارس جم
- شاهین بوشهر – پیکان تهران
- فولاد خوزستان – سپاهان اصفهان
- سایپا تهران – نساجی مازندران
- ماشین سازی تبریز – شهر خودرو مشهد
- پرسپولیس تهران – نفت آبادان

هفته چهارم
- تراکتورسازی – گل گهر سیرجان
- نفت آبادان – ذوب آهن اصفهان
- استقلال تهران – پرسپولیس تهران
- سپاهان اصفهان – نفت مسجد سلیمان
- نساجی مازندران – شاهین بوشهر
- شهر خودرو مشهد – فولاد خوزستان
- پارس جم – سایپا تهران
- پیکان تهران – ماشین سازی تبریز

هفته پنجم
- سایپا تهران – تراکتورسازی تبریز
- ذوب آهن اصفهان – استقلال تهران
- گل گهر سیرجان – نفت آبادان
- نفت مسجد سلیمان – شهر خودرو مشهد
- ماشین سازی تبریز – شاهین بوشهر
- پرسپولیس تهران – سپاهان اصفهان
- فولاد خوزستان – پیکان تهران
- پارس جم – نساجی مازندران

هفته ششم
- تراکتورسازی تبریز – پارس جم
- سپاهان اصفهان – ذوب آهن اصفهان
- استقلال تهران – گل گهر سیرجان
- پیکان تهران – نفت مسجد سلیمان
- شاهین بوشهر – فولاد خوزستان
- نساجی مازندران – ماشین سازی تبریز
- شهر خودرو مشهد – پرسپولیس تهران
- نفت آبادان – سایپا تهران

هفته هفتم
- نساجی مازندران – تراکتورسازی تبریز
- ذوب آهن اصفهان – شهر خودرو مشهد
- سایپا تهران – استقلال تهران
- گل گهر سیرجان – سپاهان اصفهان
- نفت مسجد سلیمان – شاهین بوشهر
- ماشین سازی تبریز – فولاد خوزستان
- پارس جم – نفت آبادان

هفته هشتم
- نفت آبادان – تراکتورسازی تبریز
- پیکان تهران – ذوب آهن اصفهان
- استقلال تهران – پارس جم
- شهر خودرو مشهد – گل گهر سیرجان
- ماشین سازی تبریز – نفت مسجد سلیمان
- شاهین بوشهر – پرسپولیس تهران
- سپاهان اصفهان – سایپا تهران
- فولاد خوزستان – نساجی مازندران

هفته نهم
- تراکتورسازی تبریز – استقلال تهران
- ذوب آهن اصفهان – شاهین بوشهر
- گل گهر سیرجان – پیکان تهران
- نفت مسجد سلیمان – فولاد خوزستان
- پارس جم – سپاهان اصفهان
- نساجی مازندران – نفت آبادان
- سایپا تهران – شهر خودرو مشهد
- پرسپولیس تهران – ماشین سازی تبریز

هفته دهم
- سپاهان اصفهان – تراکتورسازی تبریز
- ماشین سازی تبریز – ذوب آهن اصفهان
- استقلال تهران – نفت آبادان
- شاهین بوشهر – گل گهر سیرجان
- نفت مسجد سلیمان – نساجی مازندران
- فولاد خوزستان – پرسپولیس تهران
- شهر خودرو مشهد – پارس جم
- پیکان تهران – سایپا تهران

هفته یازدهم
- نساجی مازندران – استقلال تهران
- پرسپولیس تهران – نفت مسجد سلیمان
- سایپا تهران – شاهین بوشهر
- نفت آبادان – سپاهان اصفهان
- ذوب آهن اصفهان – فولاد خوزستان
- تراکتورسازی تبریز – شهر خودرو مشهد
- گل گهر سیرجان – ماشین سازی تبریز
- پارس جم – پیکان تهران

هفته دوازدهم
- پیکان تهران – تراکتورسازی تبریز
- نفت مسجد سلیمان – ذوب آهن اصفهان
- سپاهان اصفهان – استقلال تهران
- فولاد خوزستان – گل گهر سیرجان
- پرسپولیس تهران – نساجی مازندران
- شاهین بوشهر – پارس جم
- ماشین سازی تبریز – سایپا تهران
- شهر خودرو مشهد – نفت آبادان

هفته سیزدهم
- گل گهر سیرجان – نفت مسجد سلیمان
- تراکتورسازی تبریز – شاهین بوشهر
- نساجی مازندران – سپاهان اصفهان
- سایپا تهران – فولاد خوزستان
- استقلال تهران – شهر خودرو مشهد
- ذوب آهن اصفهان – پرسپولیس تهران
- پارس جم – ماشین سازی تبریز
- نفت آبادان – پیکان تهران

هفته چهاردهم
- ماشین سازی تبریز – تراکتورسازی تبریز
- پیکان تهران – استقلال تهران
- پرسپولیس تهران – گل گهر سیرجان
- شهر خودرو مشهد – سپاهان اصفهان
- ذوب آهن اصفهان – نساجی مازندران
- فولاد خوزستان – پارس جم
- نفت مسجد سلیمان – سایپا تهران
- شاهین بوشهر – نفت آبادان

هفته پانزدهم
- گل گهر سیرجان – ذوب آهن اصفهان
- پارس جم – نفت مسجد سلیمان
- استقلال تهران – شاهین بوشهر
- تراکتورسازی تبریز – فولاد خوزستان
- نساجی مازندران – شهر خودرو مشهد
- سایپا تهران – پرسپولیس تهران
- نفت آبادان – ماشین سازی تبریز
- سپاهان اصفهان – پیکان تهران

بدشانسی سبب شد در لیگ ملت‌ها مدال نگیریم

معنوی نژاد: در روسیه به اوج بر می گردیم

ورزش: محمدجواد معنوی نژاد در ۲۳ سالگی یکی از بازیکنان با تجربه تیم ملی والیبال به حساب می آید. او که در دو سال اخیر در ترکیب تیم ورونا در سری آ ایتالیا به میدان رفته، فراز و نشیب هایی را به خاطر برخی مصدومیت ها در پیکر، دو سال اخیر داشته، اما همچنان یکی از گزینه های اصلی کولاکووچ برای قرار گرفتن در ترکیب اصلی تیم ملی به حساب می آید. در آستانه اعزام ملی پوشان والیبال به رقابت های انتخابی المپیک در سن پترزبورگ و رویارویی با تیم های مثل کوبا، مکزیک و روسیه با جواد معنوی نژاد دقایقی همکلام شدیم تا هم از وضعیت خودش در عرصه باشگاهی و هم از وضعیت تیم ملی باخبر شویم.

بدشانسی آوردیم

تورنمنت لیگ ملت ها تقریبا دو ماه برای ما طول انجامید، اما متأسفانه به آن چیزی که می خواستیم در شیکاگو با بدشانسی نرسیدیم. سیس یک هفته ای با نظر کادر فنی استراحت کردیم. حالا حدود دو هفته است که تمرینات خود را در تهران آغاز کردیم و امیدوارم همه راهی روسیه خواهیم شد.

خدا را شکر پس از آن خستگی که در بدن بازیکنان وجود داشت، به تدریج به روزهای اوج خودمان برمی گردیم تا آن شاءالله در روسیه بهترین نتیجه را بگیریم. مسلماً پس سه ماه تمرین و مسابقه خستگی در بدن بازیکنان وجود دارد و این یک اتفاق طبیعی است. ان شاءالله در روسیه می توانیم به روند قبلی مان برگردیم و اوج بگیریم. در لیگ ملت ها ما نتایج خوبی گرفتیم و ۱۲ برد در مرحله مقدماتی داشتیم. فقط در مرحله نهایی نتوانستیم به چیزی که هدفمان بود برسیم. امیدوارم در روسیه بتوانیم حریفان را شکست دهیم. مصدومیتی که من داشتم، از ناحیه مچ پا بود. البته با تلاش پزشکان و خودم دوره نقاهت خیلی کوتاه بود. نهایتاً فکر می کنم هفت، هشت روز دوره مصدومیت من طول کشید و توانستم خیلی زود به میدان برگردم. الان هم شرایطم کاملاً خوب است و برای جنگیدن در روسیه آماده هستم.

نبرد با تزارها

روسیه الان خیلی آماده است و همان طور که دیدید قهرمان لیگ ملت ها شد. در ضمن چند بازیکن کلیدی شان هم برای انتخابی المپیک به آن ها اضافه شدند. میخایلوف و موزرسکی خودشان را برای این مسابقات آماده کردند و این کار ما را سخت تر می کند. این نشان می دهد آن ها می خواهند ۱۰۰ درصد در همین مرحله سهمیه المپیک را بگیرند. امیدوارم ما با نمایشی خوب بتوانیم به هدفمان که همان کسب سهمیه المپیک است، برسیم.

پیشنهادهای خارجی

فرارادام با وروتا تمام شده بود. البته این طور نیست که برخی می گویند. فهرست های تیم های ایتالیایی بسته شده چون آن ها می توانند تا استانه شروع سری آ بازیکن بگیرند. فصل نقل و انتقالات به صورت کلی تمام شده، اما تا یکی، دو ماه دیگر تیم های ایتالیایی می توانند جذب بازیکن کنند. البته من از روسیه و لهستان هم پیشنهاد دارم. درحال حاضر تا دو ماه آینده زمان دارم و عجله ای برای اینکه تیمم را انتخاب کنم ندارم. از تیم های داخلی هم یکی، دو پیشنهاد به دستم رسیده است. باید پیشنهادهایم را بررسی کنم و بهترین تصمیم را بگیرم. البته هدف اصلی من این است که بتوانم در همان خارج از کشور به والیبال خودم ادامه دهم.

ترانسفرهای مشهوری که در دقیقه پایانی ناکام ماندند

آن پنجره را نبند!

شان کول / مترجم: امیرمحمد سلطان پور: در حالی که تنها چند روز تا پایان پنجره نقل و انتقالات تابستان فاصله دارد، بیگمانی می اندازیم به ترانسفرهایی که تا آخرین دقایق در حال تکمیل شدن بودند اما به دلایل مختلفی لغو شده و مسیر زندگی بازیکن و باشگاه را به کل تغییر دادند.

رونی کین بیک بلکبرن ۱۹۹۳

کنی دالگلیش اسطوره ای، شکی نداشت که روی کین روی قول خود خواهد ایستاد. پس از آنکه ناتینگهام فارست از لیگ برتر به دسته پایین سقوط کرد، هافبک جنگنده و پر انرژی این تیم در آستانه پیوستن به بلکبرن قرار داشت که هدایت آن را مرد پر سابقه لیورپولی ها به عهده داشت. مذاکرات در روز جمعه با کین به خوبی انجام گرفت و هافبک ایرلندی به بلکبرن به توافق رسید اما دالگلیش متوجه شد که فرمهای مخصوص تکمیل قرارداد را اشتباه آورده و به دلیل تعطیل بودن روزهای شنبه و یکشنبه قرار شد که ثبت قرارداد در روز دوشنبه انجام گیرد. تا اینجا مشکلی به نظر نمی رسید اما یک تماس تلفنی از الکس فرگوسن کافی بود تا روی کین متقاعد شود که به جمع شیاطین سرخ بپیوندد و خیلی زود کار امضای قرارداد با شیاطین سرخ انجام شد. باشگاه بلکبرن و دالگلیش از این اتفاق عصبانی بودند اما کین و فرگوسن در منچستر بودند در لامپه میرات جلوه ای از خود به جا گذاشتند.

ویلیان به تاتنهام، ۲۰۱۳

حتی کوچک ترین هواداران تاتنهام هم شکی نداشت که ستاره برزیلی به عضویت تیم آن ها در آمده است. همه توافقات انجام گرفته بود و حتی ویلیان که در آن زمان در تیم آبزری روسیه بازی می کرد در تمرینات تاتنهام شرکت داشت که در همان زمین تمرین مدیر برنامه هایش، بالو تماس گرفت و از پیشنهادی بهتر از طرف چلسی خبر داد. طولی نکشید که ویلیان از این سمت لندن به سمت دیگر شهر رفت و با آبی پوشان قرارداد امضا کرد! انتقالی که هواداران چل

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
آرش شفاعی

فرایند تبدیل اسب راهوار به لاک‌پشت خسته

خبرهای پی در پی و منابع مورد اعتماد خبر می‌دهند که کار برای ادغام چند نهاد و مؤسسه زیرمجموعه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با جدیت آغاز شده است و مؤسسه‌های خانه کتاب، نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان با یکدیگر ادغام خواهند شد. این امر را حتی معاون وزیر نیز تأیید کرده و آن را در راستای طرحی عنوان کرده است که به «وزارت ارشاد ۲» معروف شده است. بر این اساس قرار است از ظرفیت و امکانات مؤسسات به صورت متمرکز استفاده شود و از دیوان سالاری اداری در کار این نهادها کاسته شود.

حتی گفته شده درصورت اجرای این طرح و چابک سازی مجموعه، امکان درآمدزایی برای فعالیت برخی مؤسسات وجود دارد که از این طریق باری از دوش وزارتخانه نیز برداشته شود.

ایده‌هایی که برای اجرای این طرح بیان شده، همگی جذاب و دوست داشتنی است. همه از چابک سازی، ادغام نهادهای موازی و کاسته شدن از حجم فعالیت‌های هزینه‌زای دولت، خوشحال می‌شوند و دوست دارند باری از دوش دولت برداشته شود و بهترین عملکرد با کمترین بودجه و امکانات حاصل شود. منتها مشکلی در این وسط وجود دارد که به سابقه ما از اجرای طرح‌های این گونه بازمی‌گردد. دیوان سالاری اداری موجودی چنان پیچیده و هیولایی شده که واقعاً با ادغام این مؤسسه و آن مؤسسه کارش پیش نمی‌رود. تجربه وزارت ورزش و جوانان و وزارت صنعت، معدن و تجارت پیش روی ماست. دولت پس از چند سال به این نتیجه رسیده که این ادغام نه تنها در روان سازی کارها مؤثر نیفتاده است، بلکه باید به تجربه چند سال قبل برگردد و سازمان ملی جوانان و وزارت بازرگانی را دوباره احیا کند. ایده کوچک‌سازی و ادغام، روی کاغذ و در نظریه، زیبا و کاراست، اما وقتی پای عمل می‌آید، دیگر اتفاق‌های جدید پیش می‌آید. مثلاً وزارت ورزش و جوانان به سازمان تربیت بدنی سابق در حجمی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود و بعد دیگر کسی یاد جوانان نیست، پس باید دوباره سازمان جوانان را زنده کرد.

این ترس در بین شاعران و نویسندگان وجود دارد که با ادغام این مؤسسه، موضوعات کلان‌تری مانند کتاب، نمایشگاه‌های فرهنگی و رویدادهای بین‌المللی بر تنها مؤسسه‌ای که به صورت مستقیم با شاعران و داستان‌نویسان کار می‌کرد، سایه بیندازد و جایگاه فعالان ادبیات در مجموعه وزارت ارشاد، از اینکه هست هم ضعیف‌تر شود. درباره عملکرد بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان می‌توان ایرادها و اشکالاتی گرفت. همه این نقدها درست و بجاست اما اگر شرح وظایف و عملکرد این بنیاد را مرور کنیم، می‌توان در مجموع به آن نمره‌ای متوسط و قابل قبول داد. این بنیاد موظف شده بود جایزه‌های ادبی دولتی را سامان دهد. امروز در هر سه جایزه‌ای که به صورت سالانه یا دوسالانه برگزار می‌شود، حداقل با روندی روشن و آیین‌نامه‌ای تدوین شده روبه‌رو هستیم. دیگر شیوه اجرای جشنواره‌هایی مانند جشنواره شعر فجر، براساس میل و سلیقه دبیر جشنواره نیست. در بسیاری از موارد اجماعی نسبی درباره شیوه برگزاری جشنواره‌ها وجود دارد و این بنیاد علاوه بر این توانسته است در حوزه‌هایی مانند آموزش و نقد شعر و داستان و نیز ساماندهی انجمن‌های ادبی وارد شود و کار را تا حد قابل قبولی پیش ببرد.

نگارنده پیشتر در نوشته‌هایی به برخی عملکردهای بنیاد ایرادات وانتقاداتی وارد کرده بود و همچنان معتقد است باید نقدهای جریان‌های ادبی مختلف را در این خصوص شنید و در جهت رفع ایرادها کوشید اما از این نمی‌توان گذشت که خارج شدن موضوع ادبیات خلاق از دایره عملکرد مستقیم معاونت فرهنگی و دیوان سالاری اداری وزارتخانه، چالاکی و چابکی بیشتری به این حوزه داده است. این نگرانی وجود دارد که با اجرایی شدن این ادغام، این چالاکی از میان برود و باز این حوزه مانند لاک‌پشتی خسته در پیچ و خم تصمیم‌ها و تبصره‌ها و بودجه نداندن‌ها هرز رود. در آن صورت همین بنیاد فعلی با همه اعتبار و بودجه کمش، اسب تیزرو و راهواری در نظر خواهد آمد که به رایگان از کف رفته است و چشم به غبار راهش باید دوخت.

خبر

وعده رئیس سازمان سینمایی برای سینمادار شدن ۲۰ شهر

هنوز هزار شهر سینما ندارند

مهر: رئیس سازمان سینمایی وعده داد، در قالب طرح «سینما امید» تا پایان امسال در ۲۰ شهر از هزار شهر بدون سینما، سالن سینما ساخته شود. حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی با انتشار متنی در صفحه شخصی خود در توییتر از ساخت سینما در ۲۰ شهر بدون سینما تا پایان امسال خبر داد. در متن انتظامی آمده است: در ۱۸۱ شهر سینما داریم، اما هنوز هزار شهر سینما ندارند. امسال با مشارکت سازمان برنامه، سازمان همیاری شهرداری‌ها و سازمان سینمایی، ۲۰ شهر در قالب پروژه سینما امید صاحب سینما می‌شوند. وی تأکید کرده است: زیرساخت‌های فرهنگی لازمه توسعه فرهنگی است. انتظامی برای این متن خود دو شعار «عدالت فرهنگی» و «ایران تهران نیست» را به‌عنوان هشتگ ضمیمه کرده است.

گاف بزرگ بی‌بی‌سی در مستندی درباره داعش

ایسنا: بی‌بی‌سی پس از پخش مستندی که در آن از حرکت نمادین «توحید» به عنوان نمادی از داعش یاد شده بود، ناچار به عذرخواهی و حذف بخشی از مستند خود شد.

به نقل از گاردین، «استیسی دولی» در بخشی از مستند خود درباره زنانی که کشورهای خودشان را به قصد پیوستن به داعش ترک می‌کنند، این حرکت آن‌ها را که انگشت اشاره خود را به عنوان نماد توحید بالا برده بودند، به عنوان نمادی از داعش یاد کرد. در بخشی از گزارش تلگراف درباره این موضوع آمده است: «هر چند این حرکت در گذشته در بین اعضای داعش دیده می‌شد، اما این نماد نشان‌دهنده اعتقاد مسلمان به یگانگی خداوند است که از ارکان اصلی دین اسلام محسوب می‌شود.

بالا بردن دست به نشانه توحید در بین سراسر مسلمانان جهان دیده می‌شود». این عبارت توهین‌آمیز در بخشی از کلیپ مستند «استیسی دولی با عروس‌های داعش ملاقات می‌کند» از اخبار بی بی سی شامگاهی پخش شد. پس از اعتراض‌های گسترده، سخنگوی شبکه بی بی سی بیان کرد: «ما به اشتباه از حرکت دست یک زن در کمپی واقع در جنوب سوریه به عنوان نماد داعش برداشت کردیم. درحالی که داعش قصد دارد این نماد را به عنوان نماد خود استفاده کند، این حقیقت را نباید نادیده گرفت که بسیاری از مسلمانان از این نماد برای اشاره به یگانگی خداوند استفاده می‌کنند. ما برای این اشتباه، معذرت‌خواهی می‌کنیم و عبارت استفاده شده را از مستند حذف می‌کنیم».

حمیدرضا نعیمی، بازیگر، کارگردان و نویسنده تئاتر در گفت‌وگو با قدس:

در نمایش‌نامه‌نویسی از کارگردانی و بازیگری جلوتریم

عکس: مصطفی اصغری / تسنیم

فرهنگ و هنر / فاطمه عامل نیک | سال گذشته براساس آمار اعلام شده در جشنواره فجر، بیشتر آثار پذیرفته شده در این جشنواره براساس نمایش‌نامه‌های ایرانی اجرا شده بودند، این درحالی است که اغلب کارهایی که طی سال به روی صحنه می‌روند، نمایش‌های اقتباسی یا متون فاخرخارجی هستند. حمیدرضا نعیمی، نمایش‌نامه‌نویس، بازیگر و کارگردان تئاتر و دارای مدرک کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، کارگردانی و بازیگری است و در این دو دهه اخیر جزو تأثیرگذارترین نویسندگان و کارگردان‌های تئاتری است. شهر آدم شهر حیوان، لیرشاه و فاوست ساعت مقرر و سقراط از جمله کارهای مهم نوشتاری، بازیگری و کارگردانی نعیمی محسوب می‌شوند. حمیدرضا نعیمی تاکنون جوایز متعددی را در حوزه نمایش‌نامه اقتباسی و همچنین تألیفی دریافت کرده است. بر همین اساس به سراغ او رفتیم و علت این ماجرا را جویا شدیم. مشروح این مصاحبه را میتوانید در قدس آنلاین بخوانید.

◆ چرا در بین آثار اقتباسی خبری از رمان‌ها، داستان‌ها و متون کهن ادبیات ایرانی نیست؟

این به یک موضوع ریشه‌ای برمی‌گردد که سال‌های زیادی است درام‌نویسان، فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانانِ ما را رنج می‌دهد. اکثر داستان‌نویس‌ها، رمان‌نویس‌ها و درام‌نویس‌هایی که آثارشان به مدیومی دیگر تبدیل می‌شود، معمولاً از این اتفاق و یا اقتباس ابراز نارضایتی می‌کنند. نویسنده‌های داخلی معمولاً به نگاه دومی که به اثرشان می‌شود، احساس رضایت و شعف ندارند و حتی مواردی بوده که کار به منازعات چندماهه و چندساله و بحث‌ها و شکایت هم کشیده شده است. در حالی که شما می‌بینید نمایش‌نامه درخشانی مثل «ظلمت در نیمروز» را سیدنی کینگزلی براساس رمان آرتور کستلر می‌نویسند، آقای کستلر نمایش‌نامه را می‌خواند و برای آن مقدمه‌ای می‌نویسد و در آن مقدمه می‌گوید، این نمایش‌نامه از رمان من بزرگ‌تر، ترسناک‌تر و مخوف‌تر است. این اتفاق بزرگی است که ما از کنار آن به راحتی می‌گذریم. ما اعتماد به یکدیگر را از دست داده‌ایم در حالی که این نگاه سخاوتمندانه، دوستانه و همراه موجب می‌شود که هم درام‌نویسی این کشورها رشد کند و هم فیلم‌نامه‌نویسی، از طرفی اثر مبدأ هم بیشتر و وسیع‌تر معرفی و مطرح می‌شود. همه این‌ها موجب می‌شود درام‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی به این فکر کند که به سراغ اقتباس از آثار خارجی برود، چون حق کپی‌رایت در ایران وجود ندارد و رعایت نمی‌شود، پس به کسی هم قرار نیست جواب پس بدهد و هر کاری که بخواهد می‌تواند با آن اثر مبدأ انجام بدهد، حتی اگر اثری به مراتب ضعیف و خام از اصل اثر ارائه دهد. در حالی که هر نویسنده‌ای که می‌خواهد دست به اقتباس بزند باید کاری بالاتر از اثر مبدأ انجام بدهد یا حداقل در حد و اندازه همان اثر. او حق ندارد اثری ضعیف از یک شاهکار ارائه بدهد.

◆ یکی از نکاتی که عنوان می‌شود این است که کار کردن با نمایش‌نامه‌های خارجی راحت‌تر است به این معنی که متن‌های ایرانی به اندازه متون خارجی شست و رفته نیستند و کارگردان‌ها توان سر و کله زدن با این متن‌ها برای ارائه درستشان را ندارند. چقدر این نقد را درست می‌دانید؟

به من بگویید کدام یک از کارگردان‌های ما در حال حاضر می‌توانند «فتح‌نامه کلات» بهرام بیضایی را کار کنند؟ کدام یک از آن‌ها می‌توانند به راحتی نمایش‌نامه «دیوان تأترال» اثر محمود استادمحمد را اجرا کنند؟ کدام یک از این افراد می‌توانند نمایش‌نامه‌های «لبخند باشکوه آقای گیل»، «هاملت با سالاد فصل» از اکبر رادی، «پاتوغ» اثر اسماعیل خلج، «در همین حوالی» نوشته محمود رهبر، «آنجا که ماهی‌ها سنگ می‌شوند» اثر خسرو حکیم‌رابط، «شهر قصه» اثر بیژن مفید را به درستی و زیبایی اجرا کنند؟ به نظر من این موضوع یک‌جور فرار رو به جلو است. کارگردانیِ تئاتر در ایران راحت و آسان شده است. هر کسی به خودش اجازه کارگردانی کردن می‌دهد در حالی که ۹۵درصد افرادی که در حال حاضر تئاتر روی صحنه می‌برند و در مقابل آن از مردم پول دریافت می‌کنند، حق کارگردانی کردن ندارند. کارگردان خود یک نظریه‌پرداز، مؤلف، پژوهشگر، شاعر، نقاش، معمار، روان‌شناس، جامعه‌شناس و یک فیلسوف است. کسی است که تعریف می‌دهد، او صرفاً با تکیه بر مطالعاتش حرف نمی‌زند، بلکه از جامعه و از زیستِ خود وام می‌گیرد، یعنی می‌بیند و می‌شنود و لَمس می‌کند. او منزوی نیست، اهل ادا و ژست و اطوار نیست. از بشر، سیاست و شعر و هنر حرف می‌زند. در بین کارگردان‌های ما افرادی هستند که وقتی برایشان از شاهنامه مثال می‌آوری می‌گویند دوره شاهنامه گذشته است. دیگر کی سعدی می‌خواند؟ نثر بیهقی و منشأت را کی می‌فهمد؟ کارگردان‌هایی داریم که استاد دانشگاه هم هستند، اما از شکسپیر بیزارند و می‌گویند فقط از مک‌دونا و زلر و سایمون و وودی آلن با من صحبت کن. این یعنی چی؟ این آدم‌ها با اغماض می‌توانند منشی صحنه یا مدیر صحنه باشند، نه کارگردان. وقتی این عزیزان سینما را به صورت طبقه‌بندی مطالعه نکرده‌اند، فلسفه را از ابتدا نخوانده‌اند، با شعر از کهن تا امروز مأنوس نیستند، رمان‌های بزرگ را نخوانده‌اند و هر روزشان با مطالعه نمی‌گذرد و در بین مردم نیستند، کارشان فقط شده نشستن در گوشه دنج یک کافی‌شاپ و ژست گرفتن و قهوه سفارش دادن و سیگار دود کردن و از سفرهای ترکیه گفتن و آروغ‌های شبه روشنفکری زدن و... می‌توانند دردهای جامعه و رنج بشری را درک کنند. این عزیزان آثار کلاسیک را خوانده‌اند؟ در هدایت بازیگر برای رسیدن به نقش به چه درکی رسیده‌اند؟ از طراحی صحنه، لباس، نور و صدا به صورت عملی چه کارهایی انجام داده‌اند؟ حیرت‌انگیزتر آنکه هر بازیگرِ نابلد و دسته سومی به خودش این اجازه را می‌دهد که فردای چهار تا بازی غلط، یک متن را به دست گرفته و کارگردانی کند. کجا شما شنیده‌اید که مارلون براندو نمایش‌نامه بردارد و کارگردانی کند؟ کجا دیده‌اید که رابرت میچم یا جیمز استوارت و جان وین یا یول برینر و لی ماروین یک متن نمایشی به دست گرفته و کارگردانی کنند؟! این‌ها که ما داریم نام می‌بریم از بزرگانند و اگر این کار را می‌کردند بحثی نبود، اما در حال حاضر در مملکت ما هر بازیگر نابلدی که راه رفتن روی صحنه هم بلد نیست، به خودش اجازه می‌دهد که یک متن را روی صحنه ببرد. تجسد بخشیدن به یک نمایش‌نامه و خواندن یک نمایش‌نامه نامش شده، کارگردانی! کارگردان این‌ها هستند یا استاد حمید سمندریان؟ یا استاد علی رفیعی؟ یا استاد رکن‌الدین خسروی؟ چرا این‌قدر همه چیز ارزان شده است؟ این عزیزان دارند ضعف‌ها و نابلدی‌های خودشان را پشت حرف‌هایی از این دست که نمایش‌نامه‌های ایرانی ضعف دارند، لاپوشانی می‌کنند.

برش

> هر نویسنده‌ای که می‌خواهد دست به اقتباس بزند باید کاری بالاتر از اثر مبدأ انجام بدهد یا حداقل در حد و اندازه همان اثر. او حق ندارد اثری ضعیف از یک شاهکار ارائه بدهد

این عزیزان می‌خواهند همه چیز در یک فرم و الگو خلاصه شود، همان چیزی که آنان می‌فهمند. سر و کله زدن با کارهای ایرانی از این جهت سخت‌تر است که فرد باید یک عقبه چند هزارساله را مطالعه کند. زمانی می‌توانی شاهنامه کار کنی که ۱۰۰ کتاب تحقیقی و تحلیلی درباره آن خوانده و فهم کرده باشی،اما این عزیزان ادعا می‌کنند که استادکاران متون آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی‌اند، اما تا به حال درباره فرهنگ اشراف در آمریکا و انگلیس تحقیق کرده‌اند و تفاوت‌های آنان را دریافته‌اند؟ چرا ما نمی‌توانیم اشراف انگلیسی را به درستی و ظرافت بازی کنیم؟ همان طور که یک بازیگر بزرگ انگلیسی و آمریکایی قادر نیست یک حاجی بازاری ایرانی را بازی کند. باید به این افراد گفت چقدر فرهنگ آمریکایی یا انگلیسی را می‌شناسید که اکنون دارید در ایران اجرایش می‌کنید؟ مناسبات و حرف زدن دوتا لرد انگلیسی را تا حالا از نزدیک دیده‌اید که حالا می‌خواهید در مورد لردهای انگلستان یک نمایش‌نامه روی صحنه ببرید؟ تا به حال به طبقه اشراف آمریکایی نگاهی دقیق داشته‌اید که می‌خواهید کاری درموردشان اجرا کنید؟ یا فقط دارید ادایشان را درمی‌آورید؟ انگلیسی‌ها حتی با اروپایی‌ها متفاوتند. شما بروید کشور آلمان و با فاصله بسیار نزدیک بروید کشور انگلستان و ببینید چقدر این دو کشور دورند از هم، هم درفرهنگشان، هم در حرف زدنشان و هم در آداب و معاشرتشان. بحث بر سر این نیست که کار کردن با متن ایرانی سخت است، بحث این است که شناخت و فهم وجود ندارد.

◆ وضعیت نمایش‌نامه نویسی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نمایش‌نامه‌نویسی ایران از کارگردانی ما و بازیگری ما بسیار جلوتر است. این را کسی می‌گوید که در دانشگاه‌ها بین دانشجویان، آثار دانشجویان را می‌خواند و از بیشتر شهرهای ایران، عده‌ای دارند نمایش‌نامه‌های بسیاری را برایش ارسال می‌کنند و او آن‌ها را مطالعه می‌کند. من به جرئت می‌گویم که نمایش‌نامه‌نویسی ما قابل دفاع است، اما اگر انتظار دارید که بگویم همه کسانی که اکنون نمایش‌نامه می‌نویسند و آثارشان روی صحنه هست، خوبند، اصلاً به هیچ وجه! ما فقط ۱۰ تا، به اندازه انگشتان دستمان به نویسنده خوب احتیاج داریم و ما این ۱۰ نویسنده را داریم، اما نکته این است که با این ۱۰ نویسنده چه کرده‌ایم؟ این‌ها را چگونه پرورش و رشد دادیم و به دیگران نشانشان دادیم؟ چگونه حلوا حلوایشان کرده‌ایم؟ ما ملتی هستیم که داشته‌ها و ارزش‌هایمان را همواره نفی می‌کنیم. موسیقی اصیل داریم می‌گوییم این دیگر چیست؟! نمایش‌های سنتی داریم اما آن‌ها را هم زیر سؤال می‌بریم. ما نمی‌دانیم اکبر رادی کیست؟ عباس نعلبندیان، بهمن فرسی، محسن یلفانی، مهرداد شکوهی، رضا قاسمی و ... چه کرده‌اند. وقتی داشته‌هایمان را کتمان کنیم، ملتی بی‌ریشه خواهیم شد. اکنون ببینید شب‌ها در چند خانه شاهنامه‌خوانی وجود دارد؟ اکنون بپرسید چند نفر رودکی می‌خوانند؟ چه کسی ابوسعید ابوالخیر می‌خواند؟ وقتی نمی‌خوانیم، می‌خواهیم بگوییم وجود هم ندارند. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه درام‌نویسانمان را ببینیم و باور کنیم. همه از ابتدا بی‌غلط ننوشتند، اما به آن‌ها فرصت دادیم تا آزمایش و خطا کنند و در نهایت بهترین شوند.

◆ نویسندگان ایرانی امکان دستیابی به مخاطب جهانی تئاتر را دارند؟

به هیچ وجه وجود ندارد، چون جریان چاپ آثار در کشورهای خارجی با آنچه در ایران می‌بینیم، متفاوت است. اکنون در بازار کتاب، ما از آثار یونان قدیم تا امروز را می‌بینیم بدون اینکه دلیلی وجود داشته باشد. بسیاری از نمایش‌نامه‌هایی که ترجمه می‌شوند، دلیلی ندارد برای ما ترجمه شوند و دلیلی ندارد که خیلی از این نمایش‌نامه‌ها اجازه نشر بگیرند و برایشان هزینه، وقت و کاغذ صرف شود. بسیاری از این نمایش‌نامه‌ها برای ما متن‌های بی‌خودی‌اند که هیچ ربطی به فرهنگ یا نیازهای ما ندارند. از نظر من این درست نیست که بگوییم برای نشان دادن نمایش‌نامه‌نویسی روز دنیا به سراغشان رفته‌ایم. مگر همین الان آن وِر دنیا نمایش‌نامه‌های ما را به راحتی چاپ می‌کنند؟ یا هر نمایش‌نامه دیگری را به آسانی چاپ می‌کنند؟ این طور نیست که هر اثری که در فرانسه نوشته می‌شود در آمریکا یا انگلستان هم چاپ شود و برعکس! جریان چاپ و نشر در کشورهای دیگر به شکل دیگری است. از طرفی معرفی کردن کارهای ایرانی نیاز به حمایت دولت دارد، اما کدام دولت؟ کدام وزارتخانه، سازمان یا نهاد فرهنگی؟ به من بگویید حتی در دوران موسوم به اصلاحات که اوج شکوفایی تئاتر بعد از انقلاب بود، چند نمایش‌نامه ایرانی با حمایت دولت ترجمه و انتشار جهانی پیدا کرد که حالا آن‌ها بفهمند آهان در ایران کسانی به نام بهرام بیضایی، اکبر رادی، غلامحسین ساعدی، اسماعیل خلج، محمود استادمحمد و... داریم؟ ترجمه کردن کار سختی است که احتیاج به یک نهاد و سازمان و هزینه کردن دارد. در تمام این سال‌ها نشان دادیم در عرصه سیاسی نرّادهای قابلی نیستیم، در بازی اقتصاد هم که مدام بازنده‌ایم، حداقل از نظر فرهنگی یک حرکت اصولی و انقلابی را شروع کنیم، شاید آرام آرام مشکلاتمان در وادی سیاست، اقتصاد، محیط زیست و اجتماع کمتر شوند و به یک شاخص قابل قبول جهانی برسیم. این کار نه یک مسئول که یک برنامه اصولی و پایدار فرهنگی می‌خواهد. به من بگویید این مسؤلیت فرهنگی را چه کسانی باید به عهده بگیرند و کجا هستند؟ چرا وزیر فرهنگ ما پس از گذشت دو سال از وزارتش استعفا می‌دهد و بعد با استعفایش موافقت نمی‌شود؟ به آن وزیری که تقاضای استعفا می‌کند باید گفت برو، به سلامت، چون او انگیزه‌ای برای کار کردن ندارد و کاری هم نخواهد کرد. انگار ایستاده باشد که دوره‌اش تمام شود. وزیری که می‌خواهد کار کند یک دقیقه‌اش را برای بودن و شدن از دست نمی‌دهد. یک دقیقه...

سینما

از اول سپتامبر آغاز می‌شود

اکران انیمیشن «آخرین داستان» در ۳۲ کشور

صبا: اکران جهانی انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» از اول سپتامبر در سوئد، فنلاند و نروژ آغاز می‌شود.

انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر که تاکنون موفق به کسب ۹ جایزه ملی و بین‌المللی شده است در ۳۲ کشور همچون آمریکا، روسیه، اسپانیا، سوئد، یونان و نروژ به نمایش درمی‌آید.

اکران جهانی انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» در کشورهای سوئد، فنلاند و نروژ از اول سپتامبر (۱۰ شهریور) آغاز می‌شود و با نمایش در کشورهای روسیه، ارمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، اوکراین، بالتیک (لتونی، لیتوانی، استونی) بیلوروسی، قزاقستان، قرقیزستان، جورجیا، اوستیای جنوبی و مولداوی از اول اکتبر (۹ مهر) ادامه پیدا می‌کند.

اکران انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» در کشور آمریکا از ۲۷ سپتامبر (۵ مهر) آغاز می‌شود و نمایش این انیمیشن در کشور اسپانیا و ۱۳ کشور از منطقه اروپای جنوب شرقی (یونان، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، کوزوو، مونته نگرو، مقدونیه شمالی، رومانی، صربستان و اسلوونی) به شکل وی او دی از اول اکتبر (۹ مهر) ادامه پیدا می‌کند.

«آخرین داستان» با برداشتی آزاد از شاهنامه به روایت قصه ضحاک ماردوش، کاوه آهنگر و آفریدون می‌پردازد. شرکت sky entertainment ۷ در کنار استودیو هورخش پخش جهانی انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» را بر عهده دارد. این انیمیشن نخستین انیمیشن بلند سینمایی تولید شده در استودیو هورخش است.

رادیو و تلویزیون

میکائیل شهرستانی:

یک بخش‌نامه غلط بسیاری از بزرگان را خانه‌نشین کرد

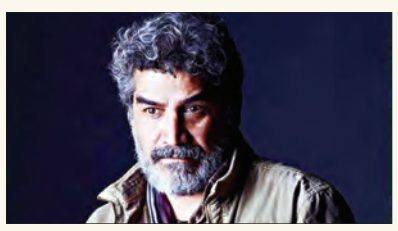

تسنیم: یک بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون به اجرای یک بخش‌نامه در رادیو، انتقاد کرد.

میکائیل شهرستانی در گفت‌وگویی با خبرنگار خبرگزاری تسنیم در سالروز تولد ژاله‌علو این بازیگر پیشکسوت عرصه تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون با بیان اینکه یک هنرمند تا زمانی که نفس می‌کشد باید از او دعوت به همکاری کرد، افزود: ژاله علوها در این حرفه ریشه‌های ما محسوب می‌شوند و هرچقدر این ریشه‌ها قدرتمندتر باشند به اعتلای فرهنگ و هنر ما کمک می‌کنند. وظیفه داریم یاد و ارزش هنرمندان پیشکسوت و بزرگان هنر و فرهنگ خودمان را در زمان حیاتشان پاس بداریم. باید به شکلی از آن‌ها حمایت و تجلیل شود و از نقطه نظراتشان بهره لازم را برد. اعتقاد دارم تا زمانی که یک هنرمند می‌تواند نفس بکشد باید از او دعوت به همکاری کرد. این بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون درباره ماجرای خانه‌نشینی و بیکاری برخی از هنرمندان رادیو خاطرنشان کرد: متأسفانه این اواخر یک بخش‌نامه غلط که شامل حال هنرمندان رادیو هم شده، بسیاری از بزرگان ما آزار دیدند و آن‌ها را از کار بیکار و خانه‌نشین کردند؛ این یک اتفاق مضحکی است. در حالی که این بخش‌نامه انگار فقط برای هنرمندان وضع شده و برخی از مسئولان را می‌بینیم که در چند سمت مدیریتی قرار می‌گیرند و مسئولیت‌های متعددی دارند. انگار قحط الرجال است. یک مدیر می‌تواند در چندین سازمان و نهاد باشد، اما یک آرتیست بر سر کارش، نه! وی با اشاره به اینکه نسل امروز از روی دست چه کسی یا کسانی باید مشق کند، گفت: این رویه کاملاً اشتباهی بود که افرادی نظیر ژاله علو، اکبر زنجانپور و کسانی دیگر به این مرتبه رسیده‌اند و در این مقطع پختگی و بالندگی باید از وجود آن‌ها بهره ببریم و سود آن‌ها را نسل‌های بعدی رادیو و تلویزیون و عرصه سینما ببینند. واقعاً این بزرگان جایگزین ندارند. بنده نوعی باید در خانه بنشینم و دانش و تجربیاتمان خاک بخورد و در انزوا قرار بگیریم. واقعاً نسلی که آمده از روی دست چه کسی یا کسانی مشق کند؟

ادبیات

دیدار خبرنگار واشنگتن‌پست با سرکرده داعشی در یک کتاب

۳ چاپ در زمانی کوتاه

فارس: روایت سعاد مخنت، خبرنگار واشنگتن پست از دیدار با یکی از سرکردگان داعش در کتاب «به من گفتند تنها بیا» منتشر شده که ترجمه آن به چاپ سوم رسید.

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، چاپ سوم کتاب «به من گفتند تنها بیا» اثر سعاد مخنت با ترجمه فائزه نوری از سوی نشر کتابستان معرفت در مدت کوتاهی از انتشار اولیه و عرضه آن در نمایشگاه کتاب تهران روانه کتابفروشی‌ها شده است. سعاد مخنت، خبرنگار امنیت ملی واشنگتن پست است که برای رسانه‌های آمریکایی گزارش‌هایی با موضوع تروریسم تهیه می‌کند.او در این کتاب از قلب شبکه تروریستی داعش در خاورمیانه و شمال آفریقا گزارشی جذاب و تکان‌دهنده ارائه کرده است. سعاد مخنت درخواست کرده بود تا با یکی از رهبران داعش مصاحبه کند. تقاضای او برای مصاحبه در طول روز و در مکانی عمومی رد شد، به‌جای آن باید ساعت ۲۳:۳۰ شب در مرز ترکیه و سوریه، سوار ماشینی می‌شد که یکی از فرماندهان ارشد داعش در آن نشسته بود. «به من گفتند تنها بیا. نباید کارت شناسایی می‌بُردم و باید تلفن همراه، دستگاه ضبط صدا، ساعت و کیفم را در هتلم در انتاکیه ترکیه جا می‌گذاشتم. فقط می‌توانستم دفترچه و خودکار ببرم. در عوض می‌خواستم با یکی از مهره‌های پرنفوذ حرف بزنم، کسی که بتواند راهبرد درازمدت دولت اسلامی عراق و شام یا داعش را توضیح بدهد. تابستان ۲۰۱۴ بود، سه هفته پیش از آنکه این گروه با انتشار ویدئوی سربُریدن روزنامه‌نگار آمریکایی، جیمز فولی در اینجا مشهور شود. حتی همان زمان هم حدس می‌زدم که داعش به بازیگر مهمی در دنیای جهاد در جهان تبدیل خواهد شد».

چاپ سوم این کتاب ۳۳۶ صفحه‌ای با قیمت ۳۵ هزار تومان از سوی نشر کتابستان معرفت منتشر شده که در نمایشگاه کتاب برای نخستین مرتبه عرضه شده بود و در این مدت کوتاه به چاپ سوم رسیده است.